

میشائیل اشتاسبرگ، نقد و بررسی معیارهای او در تحولات آیین‌های پاکی در مزدیسنا

راضیه فرهی^۱

علیرضا ابراهیم^۲

زهرا حسینی حمید^۳

فرزانه گشتاسپ^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۳۰

چکیده

دگرگونی‌هایی که مدرنیته در سبک زندگی ایجاد نموده، شیوه اجرای بسیاری از آیین‌های دینی را نیز تحت تاثیر قرار داده و دچار تحول نموده است. میشائیل اشتاسبرگ به عنوان یک دین‌پژوه پدیدارشناس، الگویی برای تحولات احکام آیینی در میان زرتشتیان معاصر را در *دایره المعارف ایرانیکا* تعریف کرده که مبتنی بر موازینی چون: حذف، جایگزینی، فروکاهش، اصلاح و ابداع احکام است. تحقیق حاضر که به روش توصیفی-تحلیلی صورت پذیرفته، نشان می‌دهد که القاء بعضی الگوهای اشتاسبرگ بر تحولات جدید در آیین‌های معاصر زرتشتی، تا اندازه‌ای ناکارآمد بوده و این الگوها لزوماً همه جوانب تحولات را نشان نمی‌دهند. برای نمونه، ایشان معتقد است که مواردی از احکام مربوط به پاکی و پاک‌سازی «آب»، به مرور زمان «حذف» شده‌اند، در حالی که به نظر می‌رسد انواعی از «جایگزینی» و حتی «تحکیم» احکام قبلی نیز روی داده است. در مورد پاک‌سازی «چوب» نیز به جز «تداوم» پاره‌ای از آیین‌های قبلی، شاهد مواردی از «جایگزینی» هستیم. البته در اموری همچون: آیین برش‌نوم، اشتاسبرگ به درستی نظر داده و ابعاد گوناگون تحولات را در قالب‌هایی چون: «حذف»، «فروکاهش» و «اصلاح» طبقه‌بندی کرده است.

کلیدواژه‌ها: آیین‌های زرتشتی، تحولات آیینی، اشتاسبرگ، آیین پاکی.

^۱. گروه ادیان و عرفان، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

^۲. گروه ادیان و عرفان، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

^۳. گروه ادیان و عرفان، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

^۴. گروه ادیان و عرفان، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛ گروه فرهنگ و زبان‌های باستانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران.

مقدمه

دین زرتشتی از سابقه‌ای طولانی در بین ادیان جهان برخوردار است و بنا بر تاریخ پرافت و خیز خویش، ادواری گوناگون را پشت سر نهاده است. دین مزدیسنا همچون دیگر ادیان بزرگ، دارای قوانین و چهارچوب‌های متنوعی در زمینه‌های آیینی است که جنبه عملی دینداری به‌دینان را سامان داده است. نظر به این که بعد آیینی یک سنت دینی جزو آشکارترین مظاهر آن سنت محسوب می‌شود، چه بسا در تحولات تاریخی، بیش از سایر ابعاد (اعم از اعتقادی، اخلاقی و...) دچار دگرگونی شود. با این وصف، آیین‌های زرتشتی نیز در دوران مجاورت به‌دینان و مسلمانان، بعضی تحولات را از سر گذراند که علل، روند و نتایج آنها قابل تحقیق هستند.

میشائیل اشتاسبرگ (Michelle Stusberg) (متولد ۱۹۶۶م) به عنوان یکی از پژوهشگران برجسته دین زرتشتی در دوران معاصر، تحقیقاتی مبسوط را در باب تحولات آیینی انجام داده و قواعد مرتبط با آن را در قالب کتابی موسوم به (*Die Religion Zarathushtras : Geschichte-Gegenwart-Rituale*) دین زردشتی: گذشته، حال، مناسک) ارائه نموده است. او چکیده‌ای از این اثر را در قالب مدخل «آیین‌های زرتشتی» «Zoroastrian Rituals» در *دایره المعارف ایرانیکا: Iranica* عرضه کرده که به صورت آنلاین قابل دسترس است. اشتاسبرگ سعی کرده است روند تاریخی و محرک این تحولات را شرح دهد و به نقد و بررسی کیفیت این دگرگونی‌ها بپردازد. او توضیحاتی در ارتباط با انواع تغییرات در آیین‌های زرتشتی ارائه کرده که البته بسیار گسترده است، لذا به تناسب حجم این مقاله، صرفاً دیدگاه‌های او در باب «پاکسازی آیینی» مبنای نقد قرار گرفته است. در همین راستا، مولفان پژوهش حاضر با برشمردن نظرات اشتاسبرگ، در پی پاسخ به این پرسش هستند که با مبنای قرار دادن یافته‌های نوین، تحلیل اشتاسبرگ در باب نوع تغییرات در دستورهای پاکسازی آیینی زرتشتی در دوره معاصر تا چه اندازه درست است و توصیف وی از عوامل اصلی دگرگونی‌ها و روند تغییرات، به چه میزان صحیح است.

قابل ذکر است که تاکنون کتاب‌هایی چون: *تاریخ کیش زرتشت*، اثر پروفیسور مری بویس، همچنین پایان‌نامه‌هایی مثل: «بازمانده‌ی سنت کهن مکتوب در آداب و رسوم کنونی زرتشتیان امروز»، اثر دکتر فرزانه گشتاسب و مقالاتی همانند: «تداوم آداب کهن در رسم‌های معاصر زرتشتیان در ایران»، اثر کتایون مزداپور، به بحث تحولات احکام دینی زرتشتی التفات داشته‌اند، اما با توجه به این که آثار اشتاسبرگ در ایران چندان شناخته نیست، تاکنون دیدگاه‌های نامبرده مورد بررسی و حتی معرفی قرار نگرفته است.

این تحقیق با تکیه بر روش توصیفی-تحلیلی-انتقادی و با استناد به منابع کتابخانه‌ای تدوین شده است. البته بخشی مهم از تحلیل‌های نگارندگان، مبتنی بر مشاهدات شخصی از احوال زرتشتیان و یا مصاحبه با موبدان و

بهدینان است. ساختار کلی آن نیز ناظر بر معرفی اشتاسبرگ و توصیف دیدگاه‌های او در باب احکام زرتشتی مربوط به آلودگی آب، چوب، لباس و ظروف است. همچنین بندهایی نیز به شیوه‌های پاکسازی با گمیز (ادرار گاو)، خورشیدنگرشی، برش‌نوم (نُشوَه)، پادیاب و... اختصاص دارد. در هر بخش از موارد فوق، نقدهایی به صورت ضمنی بر نظریات اشتاسبرگ وارد شده است.

معرفی اشتاسبرگ

پروفسور میسائل اشتاسبرگ یکی از پژوهشگران حوزه دین و متخصص در مطالعات دین زرتشتی است که در سال ۱۹۶۶م در کشور آلمان (شهر کلن) دیده به جهان گشود. او تحصیلات دانشگاهی خود را در رشته مطالعه دین (Study of Religion) در دانشگاه‌های بُن، توپینگن، برگن و رُم به انجام رساند و اکنون در دانشگاه برگن (دومین شهر بزرگ نروژ) مشغول به آموزش و پژوهش است. حوزه ی تحقیقاتی وی عبارتند از: دین زرتشتی، دینیاری معاصر زرتشتی در هند، مناسک، دین و گردشگری مدرن. او همچنین در ارتباط با تاریخ مذهبی اروپا، تعریف جادو، سنت‌های آیینی آفریقایی-آمریکایی در شمال آمریکا هم تحقیقاتی ارزشمند دارد..

(سایت دانشگاه برگن) (<https://www.uib.no/en/persons/Michael.Stausberg>)

از جمله دستاوردهای تحقیقاتی اشتاسبرگ، بازنمایی ساختاری طبقه‌بندی شده و پنج‌گانه از تحولات روی داده در دین زرتشتی بوده است. بنابر نظریه ی او آیین ها و مناسک زرتشتی در دهه‌های اخیر به شکل‌های مختلفی تغییر یافته و نظریه پردازی‌های گوناگونی حول آنها انجام شده است که البته بعضا تاثیر عوامل اجتماعی را در تکوینی آیین ها مد نظر قرار نداده‌اند (Stausberg, "Zoroastrian Rituals", *Iranica Online*) لذا او کوشیده است با دخیل کردن عوامل مختلف، تصویری منطقی از تحولات را ترسیم کند.

استاسبرگ همچنین در سال ۲۰۰۵ میلادی، گزیده‌ای از این کتاب دین زرتشتی: گذشته، حال، مناسک را با عنوان: زردشت و دین او منتشر کرده است. او همچنین آثاری را با همکاری شخصیت‌های علمی دیگر انتشار داده است که از میان آنها می‌توان به *ادبیات دینی فارسی (بیت اسکرمبک)*، *معابد زردشتی ایران (رابرت لنگر)* و مراسم تدفین پارسی (دورتا لودکنز) اشاره کرد.

(<https://www.uib.no/en/persons/Michael.Stausberg>)

اغلب آثار این اندیشمند به زبان آلمانی تالیف شده است اما ایشان آثاری اعم از مقاله و یا کتاب را نیز در زبان انگلیسی تالیف کرده‌اند؛ برای نمونه:

1. *Contemporary Theories of Religion; A critical companion*
2. *"On the State and Prospects of the Study of Zoroastrianism"*
3. *"Hell in Zoroastrian History"*

4. Zoroastrian Rituals in Context

در این مقاله مبنای اصلی بر نقد مطالب موجود در مدخل «آیین‌های زرتشتی» در دایره‌المعارف ایرانیکا است. همچنین تأکیدی خاص بر مقاله آقای داروالا در مجله مرکز مطالعات عالی سواس SJPR با عنوان ذیل وجود دارد که مولف رساله حاضر، نخستین بار از طریق آن، به دیدگاه‌های اشتاسبرگ پی برده است:

“Evolution of the Zoroastrian Priestly Rituals in Iran”

آقای داروالا K. Daruwalla برای فهم بهتر جنبه‌های مختلف تکامل سنت‌ها و اعمال، به تشریح ساختار ۵ جزئی زیر از اشتاسبرگ پرداخته و تقلیل‌های جزئی تا تغییرات کامل را ارائه کرده است: (Daruwalla, 2016, p. 102)

- ۱- فروکاهش Reduction: اجرای همان اعمال سنتی اما با کاهش جزئیات اجرایی و سختگیری‌ها
- ۲- احیاء Modification: انجام اعمال دینی که قرن‌ها متروک مانده، اما با ایجاد تغییرات کلیدی قابل توجه اجرا می‌شود.
- ۳- جایگزینی Substitution: تداوم اجرای یک آیین با جایگزین کردن چند عنصر، اما با حفظ مفاهیم بنیادین انجام می‌شود.
- ۴- ترک کردن Abandonment: عدم تداوم کل عملکرد
- ۵- ابداع Innovation: معرفی عملکردی کاملاً جدید بدون پیشینه‌ی قبلی



اهمیت مفهوم پاکی در مزدیسنا

مفهوم پاکی به این معنا که مقصود تحقیق حاضر است، بیشتر به حوزه آیین‌های مزدیسنا مربوط می‌شود، اما از آنجا که اغلب مفاهیم آیینی در یک دین، دارای خاستگاهی در حوزه باورها هستند، لازم است برای فهم بهتر، ابتدا ابعاد واژه‌شناسانه و جایگاه این آموزه در زمینه اعتقادی زرتشتی بررسی شود. صورت لغوی واژه فارسی پاکی هم‌سنگ واژه اوستایی یئوژداتو (yaoždātō) بیان شده است. واژه یئوژداتو (yaoždātō) مرکب

از (yaož+dātō) که جزء اول به معنی پاکی و جزء دوم به معنی دهندگی است. مجموعاً بر معنی پاکی دهنده و پاک کننده اطلاق می شود. (Bartholomae, 1979, p. 1235)

هانس رایشلت نیز در بررسی خویش از واژه اوستایی «یئوژداتو»، آن را «پالودن»، «آلایش زدائی» و «پاک کردن» می شمارد. (Reichelt, 1968, p. 254). در گات‌ها پاره‌ی نخست این کلمه، یعنی «یئوژ»، با پسوند «دان» ذکر شده و بصورت واژه‌ی «یئوژدان» بیان می شود (هات ۴۴، بند ۹). ابراهیم پورداود واژه‌ی «یئوژدان» را در این بند گات‌ها به معنی «درست کردن»، «رسا ساختن»، «پاک کردن»، «از آلودگی بدر آوردن» و «از آلایش گناه پرداخته کردن» گرفته است. (گات‌ها، ص ۳۴۳، ۱۳۸۱)

معادل این واژه در زبان پهلوی به صورت «پاکی / pākih» ضبط شده و رواج یافته است.

(MacKenzie, 1986, p. 208)

بحث اصطلاحی از لغت پاکی را باید از اساطیری / اوستایی آغاز کرد که متضمن جایگاه هستی‌شناسانه این مفهوم هستند. اوستا پاکی را یکی از خصوصیات اهورامزدا می داند و بارها او را با این صفت ستوده است (قس. «یستا»، هات ۴۳، بند ۵؛ هات ۵۱، بند ۱۶). او در ابتدای آفرینش مینوی، نظامی موسوم به ارته (artha) یا اشه (aša) یا همان قانون عالم را برای تضمین پایداری آفریدگان تعبیه نمود. نظام اشه همچنین متکفل ظهور صفات اهورایی در عوالم مینوی و گیتی است و لذا، تمامی مخلوقات او، نخست حائز صفاتی همچون پاکی بودند. آفرینش آغازین اهورا شامل آسمانی پاک، زمینی پاک، آبی پاک، گیاهی پاک، حیوانی پاک و انسانی پاک بود که در هماهنگی با ارته می زیستند. اما اهریمن با دست‌اندازی به آفرینش اهورایی، تمامی پدیدارها را به گونه‌ای ناپاک و آلوده ساخت («یستا»، هات ۳۰، بندهای ۳-۶). اهورا کوشید تا با راهنمایی خویش، بنیاد پاکی را در جهان استوار دارد، از این رو، انسان‌های پایبند به اشه (اشونان) را برگماشت تا چگونگی پاسداشت پاکی را به مردمان بیاموزند (همان، هات ۳۱، بندهای ۱-۳). پاکی برای هر آفریده‌ای به گونه‌ای متفاوت تعریف می شود، زیرا رسوخ اهریمن در هر پدیده با دیگری فرق دارد. این رسوخ در بعضی آفریدگان، همانند خرفستران (جانوران زیان کار) به اندازه‌ای زیاد است که آنان را به موجوداتی محلّ آفرینش مبدل نموده است و لذا نابودسازی آنها بر هر فرد زرتشتی واجب است (وندیداد، فرگرد ۱۶، بند ۱۲). اهریمن در وجود انسان نیز رسوخ نموده و اجزای او را ناپاک می سازد. در میان اجزای پنج‌گانه وجود انسان، یعنی: تن، جان، بوی، روان و فروهر، آنچه بیش از دیگران در معرض اهریمن قرار دارد، تن اوست. بدین سان که اهریمن هر گونه برون‌ریزهای تن، همانند: خون، ادرار، مدفوع، عرق، مو، ناخن و... را ناپاک می سازد (میرفخرایی، ۱۳۹۰، ص ۴۱۲). آشکار است که اهورامزدا نیز به این تاثیرگذاری آگاه بوده و در برابر این ستیز اهریمنی، آفریده‌های پاک، مثل: آب یا گمیز، را برای پاکسازی آلودگی‌ها مقدر نموده است (وندیداد، فرگرد ۵، بند ۱). با این وصف، انجام پاکسازی می تواند توازن از دست رفته ارته را دوباره

بازگرداند و ناپاکی را به پاکی مبدل سازد. به تعبیر دیگر، گندزدایی از هر پدیده، امکان فعالیت اهریمن در آن را به حداقل می‌رساند.

روان انسان نیز همچون جسم او در معرض رسوخ اهریمنان قرار دارد، زیرا ایشان با القای پندار نادرست، ذهن پاک انسان را ناپاک می‌سازند و از آن پس، گفتار و کردار او نیز به ناپاکی خواهند گرایید. اهورامزدا در برابر این ستیز نیز پدافند نموده و با القا و آموزش منتره (manthra): اذکار و اوراد، ناپاکی پندار را از ذهن می‌زداید تا در پی آن، گفتار و کردار نیز پاکیزه شوند (یسنا، هات ۲۸، بندهای ۵، ۷؛ هات ۲۹، بند ۷). از آنجا که ارته در بعد انسانی نیز مصداق دارد، ستایش اهورامزدا به وسیله منتره‌ها، نظم ارته در وجود انسان را بازسازی خواهد کرد.

در ارتباط میان دو جنبه کیهانی و انسانی مفهوم پاکی، یک تناظر وجود دارد؛ بدین صورت که استقرار پاکی در جهان به معنای تحقق تعالی مینوی عالم یا همان فرشگرد (frašgard) (نوزایی جهان و تجدید حیات) است. در همین راستا، پاکسازی پندار، گفتار، کردار و تن انسان نیز تحقق تعالی مینوی و فرشگرد اوست. از آنجا که امشاسپندان مظهر و متکفل استقرار ارته، اشه در عوالم مینوی و گیتایی هستند، حفظ پاکی هر عنصری نیز بدانها سپرده شده است.

۱. دستورهای مربوط به آب

آب در فرهنگ زرتشتی ماده‌ای مقدس است که بارها در *اوستا* از سوی اهورا مزدا ستوده شده است (یسنا، هات ۶۸). این مایع ارزشمند، نماینده امشاسپند خرداد در عالم گیتی به شمار می‌رود. از این رو، پاسداشت آب و جلوگیری از آلودن آن، جزو خویشکاری‌های این امشاسپند و تمامی کسانی است که به جایگاه او باور دارند. بنا بر سنت *وندیداد*، آب باید پاک نگاه داشته شود و ناپاکی‌هایی چون، پارچه آلوده با خون یا مردار نباید به درون آن انداخته شود. البته این امر بدان معنا نیست که آب به تنهایی امکان پاک‌کنندگی و گندزدایی ندارد، بلکه پاکسازی با آن، متضمن آدابی خاص است. در دین زرتشتی، برای تماس کمتر این مایع مقدس و پاک با آلودگی‌ها، آن را به‌عنوان پاک‌کننده مکمل و در مرحله نهایی تطهیر استفاده می‌کنند. این بدان معناست که آب عنصری برای تثبیت پاک‌کنندگی است، نه عاملی برای پاک‌سازی ریمنی در مراحل آغازین. لذا بعد از طی چند مرحله شست‌وشوی شیء ناپاک با ادرار گاو (گمیز) و خاک‌مالی کردن آن، تطهیر نهایی با آب انجام می‌شود. مثلاً در «*وندیداد*» در کیفیت پاک‌سازی ظروف زرین این گونه آمده است: «آوندهای زرین را باید یک‌بار با گمیز بشویند، یک‌بار خاک‌مال کنند و یک‌بار با آب بشویند. از آن پس پاک خواهد شد.» (فرگرد ۷، بند ۷۵).

حفظ قداست و پاکی آب به اندازه‌ای اهمیت دارد که سرپیچی از دستورهای مربوط به آن، مستوجب کیفر گیتایی و مینوی برای فرد است. در فصل سی و هفتم از *ارداویراف‌نامه* که شرح سفر مینوی ارداویراف، دینیار نامدار زرتشتی، و دیدار او از بهشت و دوزخ است، صحنه پادافره گناهکارانی توصیف شده که از دستورهای

طهارت و پاکداشت آب و آتش عدول کرده‌اند و ریمنی (پلیدی و نجاست) بر آن افکنده‌اند (۱۳۹۱: صص ۵۱-۵۰). در فصل دوم کتاب *شایست ناشایست* نیز برای هر بار که فردی آب را به نسا (یا نسو (nasū=مردار) آلوده می‌کند، مجازات مرگ در نظر گرفته شده است. (۱۳۹۰: ۲۹). زیرا برای یک مزدپرست، مردن انتقال به قلمروی دروج نسو بود بنابراین برای کاهش زیان این دیو و حفاظت از همه ی چیزها از جمله، آب، ضروری بود که مکان آلوده هرچه زودتر از چنگال دروج آزاد شوند (Carnoy, 1980: 10/ 491).

میزان این آلودگی نیز چنین توصیف شده است: «اگر نسا در آب روان باشد از بالای جریان آب ۹ گام و پایین جریان آب ۳۰ گام و از دو طرف پهنا ۶ گام آب ناپاک است» (روایات *داراب هرمزدیار*، ص ۸۶). مشابه این دستورها برای آب باران هم وجود دارد؛ چنان که برای راه رفتن زنان ناپاک از عادت ماهانه در زیر باران، کیف‌های تعریف شده است (زینر، ۱۳۸۶، ص ۵۷).

با وجود این که زرتشتیان قرن‌های متمادی کم‌وبیش به این دستورها پایبند بودند، تحولات دنیای مدرن بر آنان اثر نهاد و بسیاری از ایشان سالهاست که از شبکه‌های آب‌رسانی بهرمنند هستند. دسترسی به گمیز (ادرار گاو) و حتی خاک، برای بهدینان شهرنشین ناممکن است و لذا دستوره‌های پاکی و پاکسازی نیز تا اندازه فراوان، موضوعیت خود را از دست داده‌اند. اشتاسبرگ در این مقوله معتقد است که جامعه زرتشتی تغییراتی از نوع «حذف و رهاسازی» را صورت داده است.

(Stausberg, "Zoroastrian Rituals", , Access, 2022/2/17, *Iranica Online*) اما قرائنی وجود دارد که خلاف این را ثابت می‌کند. برای مثال، بهدینان هنوز از موادی گندزدا استفاده می‌کنند که ماهیت شیمیایی آنها مشابه مواد باستانی است؛ چنان که از مواد شوینده و پاک‌کننده‌ای بهره می‌برند که مانند گمیز خاصیت قلیایی دارد. همچنین، قوانین ملی که در خصوص استانداردهای آب اجرا می‌شود، اعتماد ایشان را در مقوله پاکی جلب نموده است. گرچه امروزه کسی را به خاطر آلودن آب اعدام نمی‌کنند، اما از سوی نهادهای حامی بهداشت و محیط زیست، با بعضی خاطیان برخورد قانونی صورت می‌گیرد. گام جدی‌تر در این باب، تصفیه آب آلوده و بازگرداندن آن به چرخه مصرف است که پیشتر چندان مرسوم و متصور نبوده و امروزه می‌تواند تداعی کننده ارزش و حتی قداست آب باشد. البته در مورد اخیر، دست کم چند دهه است که آب جاری در بعضی پیرانگاه (زیارتگاه)های زرتشتی جنبه‌ای قداست‌آمیز یافته (مرادیان، ۱۳۹۳، ص ۲۰۹) و بهدینان مقادیری از آن را جهت تبرک یا شفا به همراه می‌برند. این تلقی حسب رویکردهای مشابهی که میان شیعیان در قبال آب چشمه مقدس زمزم، رود فرات و یا برخی سقاخانه‌ها وجود دارد، مستوجب تداوم قداست آب در جامعه ایرانی بوده است.

نقیض دیگری که برای نظریه اشتاسبرگ وجود دارد این است که زرتشتیان لزوما همه آداب پاکسازی با آب را رها نکرده‌اند، بلکه بعضی از آنها را حسب شرایط، با گونه‌ای دیگر از پاکسازی جایگزین ساخته‌اند. چنان که هنوز هم رسم قرار دادن شیء ناپاک در زیر آفتاب، به جای شستشوی آن، تداوم دارد. به ویژه این جایگزینی در شرایط خاص -اواخر صفوی و اوایل قاجار- صورت گرفت که حاکمیت اکثریت مسلمان، زرتشتیان را به کاستن از حجم آیین‌های واداشته بود (بویس، ۱۳۷۴، ص ۱۳۸).

نکته مهم که نباید از نظر دور داشت آن است که با وجود تحولاتی که در ظاهر آیین‌های پاکسازی روی داد، نفس باور به پاک کنندگی آب هنوز به قوت خویش باقی است. این امر چه بسا از باور مشابه مسلمان در خصوص پاکی آب نیز تاثیر پذیرفت و «تحکیم» یافت. لذا، هنوز هم در هیچ جامعه زرتشتی ایران، آب حاصل از شستشو مستقیماً وارد شبکه مصرف نمی‌شود و با آب آشامیدنی اختلاط ندارد. از این رو، در تصحیح دیدگاه اشتاسبرگ باید افزود که تحولات مدرن منحصر به **حذف و رهاسازی آیین‌های پاکسازی با آب** نبوده و انواعی از «جایگزینی» و حتی «تحکیم» را نیز در بر داشته است.

۲. دستورهای مربوط به چوب

چوب از موادی است که پاکی آن از دو جهت اهمیت دارد: نخست، استفاده به عنوان هیزم و دیگری، بهره‌گیری به عنوان لوازم چوبی. بنا بر *اوستا*، آتش یکی از عناصر اهورایی و قابل ستایش است (*یستا*، هات ۱۷، بند ۱۱؛ هات ۴۳، بند ۴)، از این رو، هر گونه چوبی که برای برافروختن آن استفاده می‌شود، باید پاک باشد تا پاکی و پاک-کنندگی آتش را به مخاطره نیاندازد. لوازم چوبی نیز همواره در معرض تماس با انسان قرار دارند و می‌توانند ناقل ناپاکی باشند. در هر دو صورت، چوب ممکن است در اثر تماس با انواع برون‌ریزهای انسانی (همانند: ادرار)، حیوانات پلید و حتی مردار، ناپاک شود. در مورد اخیر، دستور *اوستا* این است که حسب خشک یا تر بودن چوب، بخشی از چوب باید با پاشیدن آب، تطهیر شود (*وندیداد*، فرگرد ۷، بندهای ۳۰-۲۹)

نظر به این که بسیاری از زرتشتیان امروزه خود را از طریق شستشو و البته با تعداد دفعاتی کمتر، گندزدایی می‌کنند، نظریه طبقه‌بندی در مورد دستورهای مربوط به آن، قائل به روند «فرو کاهش» است. (Daruwalla, 2016-17, P. 103).

در اینجا ضمن تایید دیدگاه مذکور، توجه به موارد استثنایی نیز لازم است. برای نمونه، امروزه برخی از لوازم چوبی در منزل، بسیار حجیم یا حساس هستند و رفع ناپاکی از آنها دشوار یا ناممکن است، از این رو، بعضی زرتشتیان ترجیح می‌دهند تا آنها را در معرض نوری قرار دهند که از پنجره به داخل می‌تابد. گویا آنها فرایند پاکسازی را به یاری یکی دیگر از مظاهر گیتایی اهورا مزدا انجام می‌دهند که روشنایی خورشید است. (*اوستا*،

«خورشیدپشت»، بند ۲). نگارندگان این مقاله تصور می‌کنند که به جز پدیده **فروکاهش**، روند **جایگزینی** را نیز باید در مقوله پاکسازی چوب به وسیله بهدینان لحاظ نمود.

۳. دستورهای مربوط به لباس

لباس هر زرتشتی جز آن که پوشش ظاهری او باشد، همراه او در هنگام نیایش و حضور در آتشکده است. همین کارکرد، حساسیت‌هایی را نسبت به پاکیزگی لباس ایجاد نموده و بهدینان را به گندزدایی از البسه رهنمون ساخته است. لباس‌ها همواره در معرض ناپاکی حاصل از برون‌ریزهای بدن قرار دارند، لذا بایسته بوده است که حسب نوع آلودگی، آنها را پاکسازی کنند. برای نمونه، بنا بر *وندیداد* اگر لباس ناپاک از جنس چرم باشد باید سه بار با گمیز شسته شود، سه بار خاک‌مال شود، سه بار با آب شسته شود و سه ماه در معرض هوای آزاد قرار گیرد (فرگرد، بند ۱۵). نظر به ارزش لباس در روزگار باستان، زرتشتیان می‌کوشیدند تا جای ممکن، لباس مردگان را نیز امحاء نکنند و طی مراحل دشوار، آنها را به چرخه مصرف بازگردانند. اما اگر هم گندزدایی قابل اجرا نبود، لباس‌های متوفی در گودالی دفن می‌شد (همان، بند ۱۳).

در دوران معاصر، اصل پاک‌سازی لباس مانند گذشته تداوم پیدا کرده اما مواد شستشو و گندزدایی را با مواد شیمیایی جدید جایگزین کرده‌اند. اشتاسبرگ بر همین وجه قائل به نظریه «حذف» یا «جایگزینی» در آیین‌های تطهیر لباس است (Iranica. Stausberg, "Zoroastrian Rituals", Access, 17/02/2022). *Online*) اما ذکر چند مثال از سوی نگارندگان مقاله، الگوهایی دیگر را نیز مطرح خواهد ساخت. نخست این که ماهیت قلیایی مواد شوینده سنتی، در نمونه‌های شیمیایی جدید نیز حفظ شده و اغلب ماشین‌های شستشو، به طور خودکار قابلیت شستشوی سه مرحله‌ای را دارا هستند. همچنین، دستگاه‌های جدیدی که در مراکز پزشکی قانونی تعبیه شده‌اند، البسه متوفیان خاص را در حرارت بالا می‌سوزانند. لذا چه بسا بتوان نوعی «تداوم» را برای آیین‌های پاکسازی لباس در نظر گرفت.

دهموبد مهربانی در این زمینه (۱۳۹۸/۲/۱۱) روش سوزاندن در شرایط وجود بیماری واگیردار و یا شستشوی با مواد ضدعفونی و بخشیدن به نیازمندان را اذعان داشتند که در نمای کلی امروزه شاهد تداوم این بایست دینی هستیم.

الگویی از **تقلید** نیز در این زمینه قابل مشاهده است، با این وصف که شماری از زرتشتیان، همانند مسلمانان، برخی از لباس‌های نوبت متوفی را جهت استفاده مستمندان در نظر می‌گیرند و به ویژه، آنها را به مسلمانان نیازمندی هدیه می‌کنند که ملزم به رعایت قوانین پاکی در مزدیسنا نیستند.

۴. دستورهای مربوط به ظروف

ظروف غذا برخلاف لوازم چوبی و یا البسه، هر روز در معرض انواع آلودگی‌ها قرار دارند و نیازمند پاکسازی هستند. طیف آلودگی‌های ظروف نیز بسیار متنوع است؛ از ریمنی خون تا ریمنی تماس با زنان ناپاک و حتی تماس با مردار. در متون کهن زرتشتی، درباره گندزدایی از ظروف طلا، آهنی، مسی و سنگی، دستورهایی گوناگون بیان شده است که عمدتاً مبتنی بر شست‌وشوهای متعدد با گمیز، خاک و یا خاکستر است. («وندیداد»، فرگرد ۷، بند ۷۵) امروزه این گونه نظام تطهیر، به ویژه در زندگی شهری، رنگ باخته و انواع مواد شوینده جایگزین گمیز و خاکستر شده است. نوع تطهیر ظروف زنانی که در دوران ناپاکی خود در آنها غذا می‌خورند، منسوخ شده و همه ظروف به یک شیوه شسته می‌شوند. بنابراین، اشتاسبرگ نیز قائل به پدیده «حذف» یا «جایگزینی» در باب پاکی ظروف است، بدین معنا که زرتشتیان ضمن تداوم باور به ریمنی ظروف، شیوه گندزدایی خود را تغییر داده و به پاک‌کننده‌های جایگزین روی آورده‌اند.

(Stausberg, "Zoroastrian Rituals", *Iranica Online*)

این بخش از نظریه اشتاسبرگ تا اندازه زیادی درست است اما به نظر می‌رسد که او در رابطه میان جنس ظروف و نوع پاکسازی آنها، التفاتی کمتر به خرج داده است. با دقت به تحولات عارض بر شیوه‌های گندزدایی ظروف می‌توان مشاهده نمود که عامل «جنسیت» دیگر در این زمینه دخیل نیست و به کلی حذف شده است. زرتشتیان ظرفی از جنس‌های مختلف استفاده می‌کنند اما آنها را به یک شیوه شستشو می‌دهند. لذا شیوه‌های متنوع دیگر، دچار حذف شده‌اند.

در تکمیل این بخش، باید به رسوخ بعضی آداب گندزدایی زرتشتی به فضای اسلامی اشاره کرد که هنوز در بعضی مناطق جریان دارد. برای نمونه، هنوز در بسیاری از روستاهای مسلمان‌نشین ظروف بزرگ، همانند دیگ، را جهت صرفه‌جویی در مواد شوینده شیمیایی، ابتدا با آب آمیخته با خاک یا خاکستر شستشو می‌دهند و در نهایت با شوینده‌های جدید تطهیر می‌کنند. این پدیده آشکارا نشانگر تحمیل یک شیوه پاک‌سازی از سوی بهدینان به مسلمانان است. (بویس، ۱۳۷۴، صص ۱۲۹-۱۲۸)

۵. دستورهای مربوط به برش‌نوم (نُشوه)

برش‌نوم عنوان مفصل‌ترین آیین پاکسازی در دین زرتشتیان بوده است. این واژه در *دراوستا* به شکل *برش‌نو* (Brašnū) به معنی بالا آورده شده به کار می‌رود این شست‌وشو از سر تا پا انجام می‌شود و به همین دلیل نام آن از واژه ی «برش‌نو» به معنی سر، گرفته شده است. (Boyce, 1989: 3/Pp: 756-757). نام خاص آیین، برش‌نوم «نه شبه» است و هدف آن پاکسازی افراد آلوده شده به تماس با مردار است و در زبان پهلوی به صورت *baršnūm* تغییر یافته است. (Malandra, 1983, Pp. 273-4؛ بویس، ۱۳۷۴، ص ۴۱۹)

اهمیت سنت برش‌نوم به اندازه‌ای است که دو فرگرد (فرگردهای ۸-۹) از «وندیداد» در اوستا بر آن معطوف هستند. برش‌نوم عموماً برای پاک‌سازی و شست‌وشوی کسانی مرسوم بوده که با جسد تماس داشته‌اند و یا چیزی بسیار ناپاک را لمس کرده‌اند. این آیین همچنین برای نیز پاک‌سازی روان شخص (اعم از مرده یا زنده) نیز اجرا می‌شده و متضمن خواندن بخش‌هایی از «وندیداد» بوده است (هینلز، ۱۳۸۳، ص ۱۲۸) نظر به طول اجرای آیین برش‌نوم، گاهی آن را با عنوان نو-شوه (به معنای نه شب) نیز می‌شناسند. هر فرد زرتشتی مکلف است که دست کم یک‌بار در طول زندگی و آن‌هم تا ۱۵ سالگی این مراسم تطهیر را انجام دهد. او مکلف است به مدت نه شبانه-روز، آدابی مشتمل بر انواع پرهیزها را به جای آورد تا پاکی و طهارت برای او حاصل شود و پیمان دینی خود را به سرانجام برساند. (دوشن، گیمین، ۱۳۷۵، ص ۲۳۹)

به نظر می‌رسد که نظریه مذکور در این خصوص از جامعیت لازم برخوردار است و ایرادی را نمی‌توان بر آن وارد دانست. در تایید آن نیز باید افزود، بعضی اجزاء برش‌نوم امروزه حذف شده‌اند؛ چنان که دیگر محلی به نام نشوه‌خانه جهت اجرای این مراسم در بسیاری از مناطق وجود ندارد و لذا از بخشی از خانه خود فرد برای این کار استفاده می‌شود. بعضی دیگر از مناسک برش‌نوم دچار فروکاهش شده‌اند، همچون: محل قرارگیری فرد که لزوماً در بیابان و مطلقاً دور از انسان‌های دیگر نیست، بلکه در جوار دیگران و البته جدای از ایشان خواهد بود. بعضی عناصر برش‌نوم نیز اصلاح شده‌اند؛ مانند: شستشو با گمیز که به شستشو با آب تبدیل شده است.

قابل ذکر است که، به نقل از سرکار خانم شهزادی (۱۳۹۹/۶/۱۱) حدود ۶۰ سال پیش در یزد، روستاهای

اطراف در کودکی شاهد اجرای برش‌نوم بوده‌اند.

همچنین به نقل از آقای دکتر موبد خورشیدیان (۱۴۰۰/۶/۱۵) در این راستا که اذعان داشتند، در دوران کودکی شاهد دور بودن زنان در ایام مشخصی از کارهای منزل (آشپزی، هم سفره شدن و...) بوده‌اند. پشت بام منزل را در مثال آوردند و البته خبری از نشوه‌خانه در ۶۰ سال پیش نبوده است.

۷. دستوره‌های مربوط به پادیاب

آیین‌های شست‌وشوی دست و صورت تقریباً در همه ادیان به شکلی وجود دارد و امروزه نیز، از لحاظ بهداشت و سلامت روان و جسم، در میان همه مجامع به عنوان کاری پسندیده تلقی می‌شود. (Modi, 1922, p. 133) گرچه آیین‌های مربوط به پاکی بخش مهمی از اعمال دینی هستند. به ویژه در سنت زرتشتی بسیار مهم است؛ زیرا انجام آیین‌ها در حفظ ایمان نقش تعیین کننده دارد (Hintze, 2004, p. 291) در کتاب اوستا نیز اصطلاح پَیتیاپم (paitiāpəm) بر این امر دلالت دارد (دوستخواه، ۱۳۷۹، ص ۹۵۴) صورت خاص شستشوی آیینی دست و صورت که در دوران ساسانی میان مزدیسنا رواج داشته با عنوان پاتیاپ (patyap) (پهلوی: پادیاب (pādyāb)) شناخته می‌شده است. (کریستین سن، ۱۳۸۴، ص ۱۰۰؛ MacKenzie, 1986, p. 181)

زرتشتیان آیین پادیاب را به عنوان مقدمه‌ای برای مراسم گُستی اجرا می‌کردند که چندین بار در روز (آغاز صبح و پس از برخاستن از بستر خواب؛ تماس با آلودگی‌های طبیعت مانند: گرد و خاک و غبار؛ پیش از آغاز هر وعده غذایی؛ پیش از نماز و نیایش‌های روزانه و نزدیک شدن به آتش مقدس) انجام می‌شد. (Choksy, 1989, p. 105) اصل این آیین در دوره معاصر ادامه پیدا کرده و لذا اشتاسبرگ به درستی، جایگاه کنونی این پدیده را در طبقه «تداوم» قرار داده است (Stausberg, "Zoroastrian Rituals" Access, , 02/17/2022, Iranica Online,). با این حال، در سال‌های اخیر موادی جدید نیز جایگزین گمیز شده‌اند و از آنها به عنوان وسیله‌ای برای زدودن ناپاکی‌ها استفاده می‌شود؛ گرچه هنوز هم آب مهمترین وسیله پادیاب است. لذا شایسته است که در این فقره، به مقوله «جایگزینی» نیز التفات داشته باشیم.

۸. دستورهای دینی مربوط به هیرنسا

هیرنسا شامل اجزاء ناپاکی است که از بدن انسان جدا می‌شود و مستوجب پاک‌سازی محل آلوده است. (زینر، ۱۳۸۸، ص ۱۹۶) ناخن، مو و پوست جداشده را باید هیرنسا به حساب آورد. رفع و دفع هیرنسا در گذشته به این صورت بود که آن را در پارچه‌ای می‌پیچیدند و به زمینی بایر یا اتافی مخصوص می‌بردند که از آب و آتش دور بود. فردی که آنها را حمل می‌کرد، آن گاه که به محل معین می‌رسید، دعای سروش باژ را می‌خواند. اگر زمین مورد نظر بایر بود، سه شیار روی زمین می‌کشید و برای هر شیار، یک بار نیایش «یثا اهوویریو» (yaθā ahuvāīrīyo) را می‌خواند. پس از آن با دفن بسته مذکور، مانثرای مقرر را که در «وندی‌د» آمده است، زمزمه می‌کرد: «ای زرتشت، هرگاه موی خویش را شانه زدی یا تراشیدی یا ناخن خویش را گرفتی، موی و ناخن جداشده از تن را، ده گام از مردم اشون، بیست گام از آتش، سی گام از آب و پنجاه گام از برسم دسته بسته دور ببر». (فرگرد ۱۷، بند ۴)

نظر به رشد مجامع شهری و دورشدن از امکانات روستاها جهت اجرای دستورهای دینی، دفع هیرنسا نیز با مشکلاتی جدی روبرو بوده است.

با توجه به طبقه‌بندی اشتاسبرگ (Stausberg, "Zoroastrian Rituals", Iranica Online)، تغییرات ایجادشده در آیین هیرنسا را باید از نوع **فروکاهش** قلمداد نمود. البته در شهرهای پیشرفته، آیین‌های دفع هیرنسا تا اندازه‌ای زیاد، منسوخ شده‌اند؛ زیرا معمولاً افراد در آرایشگاه‌ها موی خود را کوتاه می‌کنند و یا ناخن‌های خود را به زباله‌دان می‌ریزند. گرچه همه این‌ها به نوعی دفن می‌شوند؛ اما آشکار است که دفع ناخن‌ها و موهای چیده شده، کاملاً جنبه آیینی خود را از دست داده است. از این رو، ما در این مورد نیز شاهد **حذف** آیین‌های کهن هستیم.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در این تحقیق، با عنایت به نظریه «تحولات مناسک زرتشتی» از اشتاسبرگ، ابعادی گوناگون از تغییرات آیین‌های مربوط به «پاکی‌ها» در آیین زرتشتی در دوران معاصر بررسی و کاویده شده است. اشتاسبرگ در مورد «کلیات» احکام مربوط به پاکی و پاکسازی قائل به «تثبیت و تداوم» آیین‌هاست (Ibid.) اما طیفی از تغییرات و تحولات در «جزئیات» نیز وجود دارند که در مؤلفه‌های ذیل خلاصه می‌شوند: حذف، تبدیل، تغییر، تداوم و تحکیم، جایگزینی، تقلید و تحمیل و البته بعضی از آنها در نظریه اشتاسبرگ دیده نشده‌اند. تغییرات موجود در آیین‌ها نشأت گرفته از دو دسته عوامل درونی و بیرونی است. مهم‌ترین مصداق عامل درونی، کاهش موبدان جهت بازنمایی و تبیین دقیق مناسک بوده است. مصداق اصلی عامل بیرونی هم، توجه به عرف اکثریت بوده است. بررسی سیر تطور این تحولات، بیانگر تلاش دین‌یاران و دین‌باوران زرتشتی برای حفظ کلیت این آیین دیرپا و سازگارتر کردن آن با شرایط جدید ایجادشده در جامعه اسلامی ایران است که این دو نیز در نظریه‌ی وجوه تغییرات اشتاسبرگ مشاهده می‌شود.

در ارتباط با حذف مناسک (Abandonment) باید گفت که شماری از مظاهر آن با گذر زمان، توجیه خود را برای تداوم از دست داده و دلیلی برای انجام آن در دوران معاصر وجود ندارد. بر این پایه، امروزه از گمیز برای پاک‌سازی بدن، لباس، ظرف و ... استفاده نمی‌شود و در برابر، انواع شوینده‌هایی که حاصل رشد صنعت است، به کار گرفته می‌شود. البته، عناصر: آب، خاک و آفتاب همچنان خاصیت پاک‌کنندگی خود را حفظ کرده‌اند. این حذف و جایگزینی بدان معناست که دین زرتشتی در ارتباط با پاکی‌ها تا اندازه‌ای انعطاف‌پذیر و سازگار با رشد فناوری عمل می‌کند. مقوله دیگر، حذف چوب (هیزم) از احکام مرتبط با پاکی‌هاست؛ زیرا به دلیل تغییرات اساسی در سبک زندگی، رشد شهرنشینی و استفاده از وسایل نوری و گرمایشی جدید، آتش کارکرد دیرینه خود را از دست داده است. از این رو، احکام پاک‌سازی چوب به تابیدن نور آفتاب تقلیل (Reduction) پیدا کرده است. نکته دیگر در ارتباط با آیین دفع هیرنسا است که در میان نسل جدید زرتشتی‌ها کم‌رنگ شده است و نیاز به رفع و دفع ناخن و مو در جایی که دور از آب، آتش و خاک باشد، موضوعیت ندارد. بنابراین، جداسازی ناخن و مو و اقدام به شستن سر و دست، بدون انجام آیین‌های گذشته انجام می‌شود. پس شاهد مصادیقی از «حذف» در انجام این رسوم هستیم.

آب یکی از اصلی‌ترین مطهرات در آیین زرتشتی است که همچنان به عنوان پاک‌کننده مورد استفاده قرار می‌گیرد، اما امروزه این پاک‌کنندگی بدون واسطه‌هایی چون: گمیز و خاک مالی صورت می‌گیرد و ناپاکی‌ها مستقیماً با آب رفع می‌شود. این تحول را می‌توان در زمره «حذف» قرار داد. در ارتباط با چرایی این تحول، عامل‌هایی چون: «فراموشی مفهوم ریمنی (ناپاکی)»، «ضرورت پرهیز از آلوده کردن آب با ریمنی»،

«دگرگونی مفهوم قداست آب» و «دگرگونی شرایط زیستی و شهرنشینی در دوره معاصر»، مؤثر بوده است.

موضوع دیگر، تغییراتی در ارتباط با آلودگی‌هایی چون: زندگستان، مسائل مربوط به پس از زایمان و به دنیا آوردن فرزند مرده است که در چند دهه گذشته شاهد تغییرات برجسته‌ای نسبت به دوره ساسانیان، مطابق دستورات شایست و ناشایست بوده‌ایم. یکی از تحولاتی که در دوره معاصر در باب فضاسازی دینی مزدیسنان به وجود آمده، عدم اختصاص بخشی از فضای خانه به نیایش است. امروزه برخلاف گذشته، غالب آیین‌های نیایشی در بیرون از خانه انجام می‌پذیرد. از این رو، الزام جدانشینی زن دشتان از بین رفته است. افزون بر این، دشواری اجرایی کردن سکونت در دشتانستان به دلیل تغییر بافت جمعیتی خانواده‌های زرتشتی و نبود فضای گسترده برای جدانشینی، باعث شده است این تغییرات ایجاد شود. همچنین، سهولت دسترسی به ابزارهای بهداشتی و نظافتی در دوران جدید، شرایط را برای زن دشتان راحت‌تر کرده است. نکته دیگر، عدم ممنوعیت حضور این زنان در آشپزخانه است؛ زیرا به دلیل رشد فناوری، از آتش سنتی برای طبخ غذا استفاده نمی‌شود و خدش‌های در قداست آتش به وجود نمی‌آید. البته، با وجود این تغییرات، مسائلی چون: شرکت نکردن زن دشتان در آیین خاک‌سپاری، پاک نکردن برنج، عدم حضور بر سفره گواه‌گیران (سفره عقد) هنوز تا اندازه‌ای رعایت می‌شود.

مؤلفه دیگر، جایگزینی و تبدیل (Substitution) است، یعنی اعمال تغییرات کمی با حفظ ماهیت اصلی. در این بین می‌توان به آیین‌های شست‌وشو با گمیز اشاره کرد که امروزه با توجه به رشد فناوری، جای خود را به شوینده‌های متنوع صنعتی و شیمیایی داده‌اند. یکی از دیگر ابعاد مرتبط با دستوره‌های پاکی‌ها در دین زرتشتی، تثبیت آن است که در جنبه‌های فوق‌الذکر از تغییرات استاسبرگ جای ندارد. شماری از مناسک همچون: عدم حضور زن دشتان در مراسم مذهبی و آتشکده‌ها، عدم نزدیکی با زن دشتان و... با گذشت سده‌ها، ثابت مانده و تغییری در اصل آن ایجاد نشده است. یکی از عوامل مهم در تثبیت این احکام، شباهت آن به احکام فقهی دین غالب در ایران یعنی اسلام بوده است. این قرابت باعث شده است که اهمیت و اعتبار این مناسک حفظ شود. در این بین می‌توان به غسل کردن بعد از دوران دشتان، بعد از لمس میت و بعد از نزدیکی نیز اشاره کرد. همچنین، شستشوی دست و صورت (پادیاب) پیش از انجام نیایش را باید ذیل این مؤلفه قرار داد.

با نگاهی به گستره تحولات باید گفت که اجرای بخشی عظیم از احکام پاکی و پاک‌سازی با گذشت زمان، روندی فروکاهشی داشته است. در این رابطه می‌توان عواملی چون: رشد شناختی و معرفتی دین‌باوران را نسبت به فلسفه احکام، تغییر سبک زندگی، رشد مظاهر صنعتی و ... مؤثر دانست. البته، این نکته مهم را باید در نظر داشت که خفقان سیاسی و فشارهای حاکمیت ایدئولوژی‌محور در برهه‌های زمانی مختلف، در کاستن از اعمال عبادی زرتشتیان اثرگذار بوده است.

افق هایی دیگر نیز می توان پیش روی این تحقیق ترسیم نمود؛ برای نمونه، چنان که درووالا ادعا نموده، تحولات در حوزه آیین های تخصصی چه بسا بسیار جدی تر و عمیق تر بوده است. در این زمینه می توان به مناسک درونی حلقه موبدان اشاره کرده که دچار فروکاهش شدید شده و امروزه تنها معدودی از آنها مناسک کهن را به جا می آورند (Daruwalla, 2016, p.104) از این رو، بررسی تغییرات در آیین های تخصصی تر، هنوز عرصه ای تازه را پیش روی محققان قرار می دهد.

منابع و مأخذ

- ۱- ارداویراف نامه، ۱۳۹۱، ترجمه رحیم عقیقی، چاپ سوم، توس، تهران.
- ۲- اوستا، ۱۳۸۲، گزارش جلیل دوستخواه، مروارید، تهران.
- ۳- بویس، مری ۱۳۷۴، تاریخ کیش زرتشت، ترجمه همایون صنعتی زاده، توس، تهران.
- ۴- پورداود، ابراهیم، ۱۳۸۱، یادداشت های گاتها، اساطیر، تهران.
- ۵- دوستخواه، جلیل ۱۳۷۹، «پیوست»، اوستا، گزارش جلیل دوستخواه، مروارید، تهران.
- ۶- دوشن گیمن، ژاک، ۱۳۷۵، دین ایران باستان، ترجمه رؤیا منجم، فکر روز، تهران.
- ۷- روایات دستوردارابهرمز دیار، ۱۹۲۲م، به کوشش هیربد مانکجی رستمجی اونوالا، بمبئی
- ۸- زینر، رابرت چارلز، ۱۳۸۸، طلوع و غروب زردشتی گری، ترجمه تیمور قادری، آبغام و مهتاب، تهران.
- ۹- شایست ناشایست، ۱۳۹۰، ترجمه کتابیون مزداپور، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران.
- ۱۰- فرنیغ دادگی، ۱۳۹۵، بندهش، به گزارش مهرداد بهار، توس، تهران.
- ۱۱- کریستن سن، آرتور، ۱۳۸۴، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، صدای معاصر. تهران.
- ۱۲- مرادیان ریزی، نجمه؛ ملک ریزی، منیژه، ۱۳۹۳، زیباییشناسی رنگ در آیین های ایران باستان، انتشارات فروهر، تهران.
- ۱۳- هینلز، جان؛ همکاران، ۱۳۸۳، جستاری در فلسفه زرتشتی؛ مجموعه مقالات، ترجمه نیلوفر سادات نواب و همکاران، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم.

14-Bartholomae, Christian, ۱۹۰۴, Alt iranisches Wörterbuch, Strassburg: verlag von karl j. trubner.

15- Choksy, Jamsheed K, 1989, *Purity and Pollution in Zoroastrianism: Triumph over Evil*, Austin: University of Texas Press.

16- Daruwalla, Kerman, 2016-17, "Evolution of the Zoroastrian Priest Rituals in Iran", SJPR, v. 10.

- 17- Malandra, Willam.W, 1983, *An Introduction to Ancient Iranian Religion*, Minneapolis: University of minnesota press.
- 18- Modi, Jivanji Jamsheed, 1922, *The Religious Ceremonies and Customs of the Parsees*, Bombay: British India Press.
- 19- MacKenzie, D.N. 1986, *A concise Pahlavi Dictionary*, London: Oxford university press.
- 20- Reichelt, Hans, 1968, *AvestaReader,(Texts, Notes, Glossary and Index)*, Strassburg.
- 21- Stausberg, "Zoroastrian Rituals", *Iranica Online*, Access, 02/17/2022
- 22-<https://www.uib.no/en/persons/Michael.Stausber>, "Stausberg", Access, 02/1/2022
- 23- Carnoy, Albert J, 1980, «Purification (Iranian)», *Encyclopaedia of Religion and Ethics*, James Hastings (ed), NewYork: University of Chicago Press.
- 24-Boyce, Mary, 1989, «Brašnom», *Encyclopaedia Iranica*, Ehsan Yarshater(ed), New York: Bibliotheca Persica Press.
- 25- Hintze, Almut, 2004, «On the ritual significance of the Yasna Haptanhāiti», *Zoroastrian Rituals in context*, Michael Stausberg (ed), Netherlands: Koninklijke Brill.

مصاحبه

۲۶- دهموبد مهربانی، روستای زین آباد یزد، تاریخ ۱۳۹۸/۲/۱۱

۲۷- موبد خورشیدیان، تهران، انجمن موبدان، تاریخ ۱۴۰۰/۶/۱۵

۲۸- سرکار خانم شهزادی، مدرس درس دینی، یزد، تاریخ ۱۳۹۹/۶/۱۱